

کرامت زن در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

زینب مولودی

مقدمه

وقتی از زن و جایگاه وی صحبت به میان می‌آید؛ پای دیدگاه‌های متفاوت و تعصب‌ها و احقاق حق‌های گسترده‌ای به میدان باز می‌شود. بحث از آزادی زن، برابری زن و مرد و حتی برتری زن، با تفسیرها و تأویل‌های گوناگون به صورت جنجال برانگیزی مطرح می‌گردد. در این مختصر قصد داریم حقیقت را با راهنمایی‌های عالمانه‌ی سکان‌دار انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دریابیم. این که زن کیست و چه جایگاهی دارد و چگونه می‌تواند به جایگاه حقیقی خود دست یابد.

جایگاه زن در اسلام

«اولاً نگاه اسلام به جنسیت یک نگاه درجه دو است؛ نگاه اول و درجه یک، حیث انسانیت است که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد... جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است، در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در مسیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنا پیدا نمی‌کند»^۱.

زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. در این جاده‌ی تکامل و تعالی، آن که حرکت می‌کند، انسان است. در حقوق اجتماعی و حقوق شخصی و فردی بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در چند مسأله‌ی اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسأله امتیازاتی به مرد داده شده است؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متین‌ترین، منطقی‌ترین، عملی‌ترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسأله‌ی جنسیت فرض کند.^۲

ما باید در مورد مسأله‌ی زن نگاه جامع داشته باشیم و این نگاه در اسلام هست. زن بودن برای زن یک ارزش والاست. یک اصل است. به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید. همچنان که برای مردان تشبه به زنان ارزش به حساب نمی‌آید. هر کدام جایگاهی دارند. و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آن‌ها در آفرینش حکیمانه‌ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود.^۳

پس در درجه‌ی اول درمی‌یابیم که زن انسان است و از لحاظ انسانیت هیچ فرقی با مرد ندارد، اما در درجه‌ی دوم خود زن بودن آیا در اسلام جایگاهی دارد یا آن که اسلام تمام شخصیت و کرامت را به مرد عطا می‌کند؟ یکی از نکاتی که مقام معظم رهبری بسیار روی آن تأکید دارند همین قسمت است:

اسلام به زن شخصیت می‌دهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه می‌خواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین می‌کنند. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ...» (تحریم/۱۱) این نفر اول «و مریم بنت عمران» نمونه‌ی دوم. دو زن برای «لِّلَّذِينَ كَفَرُوا»: «امْرَأَةُ نُوحٍ وَامْرَأَةُ لُوطٍ» (تحریم/۱۰). یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آینه‌ای برای زنان بلکه برای کل جامعه قرار می‌دهد. می‌شد یک مرد انتخاب بکنند؟ نه، این در مقابله‌ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که در نظام‌های طاغوتی نسبت به زنان وجود داشته است.^۴

«حضرت امام خمینی (قدس سره) نقش زن را در انقلاب- چه در پیدایش و چه در استمرار آن- و نیز جایگاه او را در تکامل جامعه‌ی اسلامی و بلوغ اسلامی و انقلابی آن، بسی بزرگ می‌داشت و حق هم همین است».^۵

از این کلمات درمی‌یابیم که در نگاه اسلام زن از جایگاه رفیعی برخوردار است. اما جای این پرسش در همین قسمت باقی می‌ماند که چرا زن از چنین مقامی بهره‌مند است؟ مگر او چه نقش بی‌بدیل و متفاوتی را می‌تواند ایفا کند. چه حماسه‌ای به دست زنان رقم می‌خورد؟

زنان نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند. نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در مسیر بشریت به سوی کمال است.^۶

در طبیعت الهی زن، آن‌چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را- چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد- به طرف معنویت و پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش برد.^۷

عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه‌ی خود را که خدا در جبلت او به ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه، بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و برندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زن‌هاست. این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است.^۸

زن با قوت زنانه‌ی خود- که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است- همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند و همراه با عفت و پاکدامنی می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پربرکتی می‌توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد.^۹

آری، زن یک چنین عظمت، کرامت و نقش بی‌بدیلی در جامعه دارد. لذا ما به یک جامعه که نیمی از آن را مردان و نیمی از زنان شبیه شده به مرد تشکیل می‌دهند احتیاج نداریم، بلکه دقیقاً به جامعه‌ای نیازمندیم که نیمی از آن مرد و نیمی زن هستند. که این دو با هم در یک تعامل حقیقی- بر اساس آموزه‌های اسلامی و طبیعت خویش- هستند. نکته‌ی جالب توجه آن که اولاً ما این مقام و منزلت برای زن را در جای دیگر نمی‌بینیم دوم بعضی از آن‌ها که برای زن ارزشی قائل می‌شوند هم بعد از آن است که وی را از عفت، عشق و عاطفه‌اش جدا کرده‌اند. در صورتی که ما دریافتیم این‌ها نه تنها حیثیت زن بلکه جزء افتخارات وی به حساب می‌آیند. مطلب بعد آن است که یک زن، چگونه می‌تواند به این جایگاه دست یابد؟ آیا اگر زنان پیرو و تابع سیاست‌ها و مدل‌های غربی شدند می‌توان از آن‌ها انتظار حماسه‌آفرینی داشت؟ آیا غرب این کرامت را برای زنان حفظ خواهد کرد و آن را از قوه به فعل خواهد رساند؟

زن به سبک غربی

در اینجا لازم است با سخنان رهبری فرزانه نسبت به درون مایه و انتهاء راه و روش غرب در مورد زنان آگاهی یابیم. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جست‌وجو کرد؛ کسانی که با ادبیات اروپایی آشنایی دارند می‌دانند در چشم فرهنگ اروپایی از قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده‌است. هرچه برخلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند.^{۱۰}

اروپایی‌ها می‌خواهند، زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مُد و مصرف و آرایش در انتظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج دهند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین وظایف زن- اگر نگوییم مهم‌ترین وظایف- این است که جلوه‌گری کند، زیبایی‌های

خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزه‌روز هم بیشتر می‌شکنند.^{۱۲}

بزرگ‌ترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام می‌دهد. در یک مجلس رسمی، یک مرد باید با لباس رسمی بیاید، پاپیون بزند، یقه‌اش بسته باشد، آستینش هم تا سرمچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تی‌شرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه رسمی، حتماً باید بخش‌های مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل بیاید محل اشکال است؛ اگر بدون جذابیت‌ها بیاید، محل اشکال است. این شده عرف، افتخار هم می‌کنند. چه ضربه‌ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را می‌گویم کشورهایی که دنباله رو آن‌ها نیستند نه زنان ما را - بزرگ‌ترین ضربه‌هایی است که دارند می‌زنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت.^{۱۳}

از طرفی غربی‌ها به زن خیانت کردند. تمدن غرب به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکری هم در زنان دیده می‌شود، مال خود زن‌هاست. آن‌چه که غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بند و باری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده‌اش را هم اصلاح نکرده‌اند.^{۱۴}

جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سر زننده و با نشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. حالا نقض نشود که شما می‌گویید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آن‌چه امروز در ویرانی بنیان خانواده در غرب روزه‌روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر می‌شود، این‌ها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله‌ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی این جور نیست که زود بازده باشد؛ این‌ها به تدریج اثر خواهد گذاشت. آن روزی که غرب به این پیشرفت‌ها دست پیدا کرد، هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسأله‌ی جنسیت با همان رعایت‌های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودشان - وجود داشت. این بی‌بند و باری‌ها و اباحیگری‌ها به تدریج در آن‌جا به وجود آمده. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آن‌ها رقم می‌زند.^{۱۵}

مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد، این قانون‌های ابلهانه و خباثت‌آمیزی که این‌ها در زمینه‌ی مسائل جنسی دارند می‌گذارند، این‌ها را به ته دره دارد حرکت می‌دهد. این انحطاط قابل جلوگیری هم نیست. زوال تمدن‌ها، مثل سربرآوردن تمدن‌ها، یک امر تدریجی است - یک امر دفعی و فوری نیست - و این تدریج دارد اتفاق می‌افتد و گمان نمی‌کنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این دور بماند؛ خواهند دید که چه اتفاقی می‌افتد.^{۱۶}

اکنون که غرب را در سراشیبی سقوط می‌یابیم. پیروزی از راه آزموده شده و خطا دیده‌ی غرب را خطایی مجدد می‌دانیم؛ سؤال خود را بار دیگر این‌طور مطرح می‌کنیم که چگونه یک زن می‌تواند به آن ارزش‌های والا برسد و الگوی جامعه‌ی ایمانی قرار گیرد. وقتی سبک زندگی غربی موجب تحقیر زن است، زن باید کرامت خود را چگونه بیابد و چگونه به آن برسد.

کرامت زن مسلمان

باید دید طبق فرموده‌ی مقام معظم رهبری اسلام زن را به چگونه زندگی‌ای دعوت می‌کند؟ زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند؛ هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان.^{۱۷}

ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است.^{۱۸} زن های مؤمن در جامعه ی ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند... زنی که خود را در دامنه ی قله ای می داند که در اوج آن فاطمه ی زهرا (ع) قرار دارد. این زن باید از این بازیچه های فراهم آمده ی تمدن غربی رو بگرداند و به آن بی اعتنایی کند.^{۱۹}

هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه ی خود را حفظ می کند یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت و صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزش های معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا و... - پیشروی کند. هم در عرصه ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده ی خود، شناخت هدف های علمی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت روش های دشمن باید روزبه روز پیشرفت کند، و هم در زمینه ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت کند.^{۲۰}

از مجموع این سخنان رهبری، سه عرصه برای هنرنمایی زن نمایان می گردد. که عبارتند از عرصه ی فردی، خانوادگی و اجتماعی که در هر کدام، وظایفی مخصوص بر عهده ی اوست. در ادامه این سه عرصه را به اندازه ی حوصله ی بحث، قدری می شکافیم.

هنرنمایی زن در عرصه ی فردی

عرصه ی فردی به معنای همان تربیت فردی و رشد و تکامل معنوی است که بین زن و مرد در این عرصه تفاوتی وجود ندارد و هر یک به اندازه ی تلاش خود، بهره می برند. رهبری البته در این عرصه نیز نکاتی تکیه می کنند:

زن فرعون نه پیامبر است، نه پیامبر زاده است، نه همسر پیامبر است نه در خانواده ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن او را به این جا می رساند.^{۲۱} زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ و در میدان جهاد و مبارزه، از هر نوع جهاد و مبارزه ی پیش قدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات، بی اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه ی بیگانه را به خودی خود دفع کند.^{۲۲}

اگر زن ها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد. چون انسان های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می کنند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن، خیلی می تواند در تربیت فرزند تأثیری داشته باشد.^{۲۳}

لذا درمی یابیم که زن موظف است در عرصه ی فردی به رشد و بالندگی خود بیندیشد و در این زمینه پیشرفت کند؛ نه فقط برای این که یک فرد به کمال برسد، بلکه علاوه بر آن کمال یک مادر و یک زن به کمال انسان هایی که در دامن او پرورش می یابند منجر می شود.

هنرنمایی زن در عرصه ی خانوادگی

یکی از مهم ترین وظایف زن، خانه داری است. بنده عقیده ندارم به این که زن ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می شود گناه. خانه داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده ساز، فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است.^{۲۴} مهم ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگهدارد.^{۲۵}

این نقش همسری فوق‌العاده است؛ ولو اصلاً نقش مادری وجود نداشته باشد. فرض کنید، زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیل امکان زایمان برایش وجود ندارد اما همسر است. ما اگر بخواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ والا نمی‌شود. ^{۲۶} این رابطه‌ی انسانی، براساس محبت و رابطه‌ی عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، هم‌زیستی آن‌ها را آسان خواهد کرد. ^{۲۷} محبت دستوری و فرمایشی نیست. دست خود شماست. شما می‌توانید محبت خودتان را روزه‌روز در دل همسران زیاد کنید. با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت وزیدن به او، با وفاداری. ^{۲۸}

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف آنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. عاطفه‌اش را به او داده، احساساتش را به آن‌ها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آن‌ها داده؛ در واقع این هنر زن‌هاست. ^{۲۹}

«مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجه تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است». ^{۳۰} زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در جامعه بالنده و رشید خواهند شد. ^{۳۱}

خانه‌داری، بچه‌آوردن، بزرگ کردن، تربیت کردن جای‌گزین ندارد. شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده‌ی ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف‌تر است - با سر انگشتان خود باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران. این کارها، فقط کار مادر است. ^{۳۲}

آنچه در این عرصه‌ی خانواده مشاهده می‌شود عبارت است از اولاً اهمیت بالای آن در نگاه مقام معظم رهبری دوماً نقش بی‌بدیل زن در حفظ کیان خانواده. گویا میدان اصلی هنرنمایی زن، این عرصه است که اگر توانست مجاهدت در این عرصه را به نحو احسن به انجام رساند - که این هم فقط کار اوست - خدمت بی‌نظیری به جامعه داشته‌است. این‌جاست که شاید بتوان علت سوزدل رهبری در مسأله‌ی زنان را بهتر درک کرد و این که چرا این‌قدر به حل مشکلات زنان به‌خصوص در خانواده تأکید دارند و برنامه‌ریزی بلند مدت جهت رشد و هرچه بالنده‌تر شدن زنان را امری لازم می‌شمارند.

هنرنمایی زن در عرصه‌ی اجتماعی

دیدگاه رهبر معظم انقلاب در مورد حضور زن در عرصه‌ی اجتماع و سیاست بسیار روشن است. با توضیحات و مقدمات گذشته نیز این دیدگاه واضح شد و حتی شاید تصمیم‌گیری برای خود زن هم در این زمینه آسان شده باشد. نظر رهبری در مورد حضور فعال در این عرصه مثبت است منتفی به چند شرط.

زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست. اما این وظیفه‌ی او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که واجب است، عبارت است از حفظ فضای حیاتی برای مجموع این خانواده. ^{۳۳}

بنده با انواع مشارکت‌های اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خیرخواهانه و از این قبیل؛ این‌ها همه خوب است. منتها دوسه تا اصل را باید نادیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت‌الشعاع قرار ندهد، می‌شود هم. به نظر

می‌رسد مواردی داشتیم که خانم‌هایی این‌طور عمل می‌کردند. دومین مسأله، مسأله‌ی محرم نامحرم است، که در اسلام جدی است.^{۳۴}

بنابراین مقام معظم رهبری حضور زن در مشاغل را نفی نمی‌کنند ولی به شرط این که این دو امر محقق شود یعنی اولاً با زندگی خانوادگی تعارض نداشته باشد، دوماً مسأله‌ی اختلاط محرم نامحرم پیش نیاید و آن حدودی که اسلام زن و مرد را به رعایت آن‌ها موظف کرده است، رعایت گردد. ضمن این که جدای این مباحث، طبق بیانات اخیر ایشان حضور زن در مشاغل اجرایی افتخاری ندارد.^{۳۵}

نتیجه

اسلام در درجه‌ی اول به انسانیت انسان‌ها نگاه می‌کند و در درجه‌ی دوم به جنسیت آن‌ها و در همین بخش، نگاهش به جنسیت زن فوق‌العاده متعالی و کرامت‌بخش است. در حالی که غرب زن را مایه‌ی التذاذ مردان قرار می‌دهد و این تحقیر زن است. اسلام برای به کمال رساندن زن، برنامه‌ی بندگی در عرصه‌های مختلف زندگی را به وی ارائه می‌دهد؛ برنامه‌ای که نه تنها موجب رشد خود زن بلکه موجب رشد خانواده و جامعه‌ی او نیز می‌گردد.

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.

۲. بیانات در جمع مداحان، ۹۲/۰۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا^{علیها السلام}، ۸۶/۰۴/۰۳.

۴. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۰۷/۲۸.

۵. پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام(ره)، ۶۸/۰۸/۰۳.

۶. بیانات در سالروز ولادت حضرت زهرا^{علیها السلام}، ۸۴/۰۵/۰۵.

۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۸۴/۰۳/۲۵.

۸. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت میلاد حضرت زهرا^{علیها السلام}، ۸۹/۰۲/۰۱.

۹. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۸۴/۰۳/۲۵.

۱۰. بیانات در همایش بزرگ بانوان، ۷۶/۰۷/۳۰.

۱۱. بیانات در دیدار بسیاری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب^{علیها السلام}، ۷۰/۰۸/۲۲.

۱۲. بیانات در جمع مداحان، ۹۲/۰۲/۱۱.

۱۳. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.

۱۴. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۷۹/۰۶/۳۰.

۱۵. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.

۱۶. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۹۲/۰۲/۱۱.

۱۷. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۷۹/۰۶/۳۰.

۱۸. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا^{علیها السلام}، ۷۱/۰۹/۲۰.

۱۹. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، اصفهان و قم، ۶۸/۱۰/۲۶.

۲۰. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۷۹/۰۶/۳۰.

۲۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، ۷۰/۱۰/۰۴.

۲۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا^{علیها السلام}، ۷۱/۰۹/۲۵.

۲۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۰۷/۲۸.

۲۴. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۹۲/۰۲/۱۱.

۲۵. خطبه‌ی عقد، ۸۱/۰۳/۰۸.

۲۶. بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.
۲۷. خطبه‌ی عقد، ۷۵/۰۹/۰۴.
۲۸. خطبه‌ی عقد، ۷۶/۰۷/۳۰.
۲۹. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۹۲/۰۲/۱۱.
۳۰. همان.
۳۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان، ۷۵/۱۲/۲۰.
۳۲. بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.
۳۳. خطبه‌ی عقد، ۸۱/۰۳/۰۸.
۳۴. بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.
۳۵. رک. بیانات در دیدار با جمعی از بانوان فرهیخته، ۹۲/۰۲/۲۱.

منابع

۱. خامنه‌ای، علی، زن و بازیابی هویت حقیقی [گزیده‌ی بیانات] حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی، به کوشش محسن کربلایی نظر و جمعی از محققین، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲. خامنه‌ای، علی، مطلع عشق، گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان، گردآورنده محمدجواد حاج علی اکبری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷.
۳. www.khamenei.ir